

مفهوم استکبار ستیزی و آثار آن بر محیط سیاسی معاصر

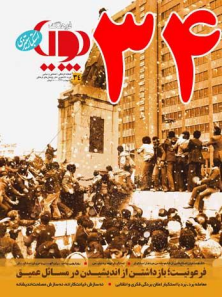
هشدار به جامعه مؤمنین درباره طاغوت و استکبار ستیزی می فرماید: "فاجتنبوا الطاغوت" و در این راستا دستورهای صادر کرده است؛ همچون جلوگیری از نفوذ آنان در جامعه ایمانی: "یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم؛ اعتماد نکردن به آنان: "و لا ترکنوا الی الذین ظلموا؛ مراقبت برای سلطه نیافتن آنان بر جامعه ایمانی: "ان يجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا" و توجه به این هشدارها را شرط ایمان به خدا و انسانیت دانسته است: "یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا ابائکم و اخوانکم اولیاء ان استحبوا الکفر علی الایمان و من یتولهم منهم فاولئک هم الظالمون" زیرا این افراد و گروه های اجتماعی که قرآن کریم از آنان یاد می کند، در یک کلمه انسان را از "عبودیت الله" جدا و روحیه استکباری را در وجود افراد و به تبع آن جامعه تقویت و حکمفرما می کنند.

انقلاب اسلامی و استکبار ستیزی

انقلاب اسلامی توسط حضرت امام (ره) واژگان و مفاهیم جدیدی را بر اثر این تربیت قرآنی و نگاه حقیقت بین آن به جامعه در علوم انسانی و سیاست مطرح کرد؛ مفاهیمی که در فرهنگ سیاسی معاصر که از اندیشه الحادی غرب سرچشمه گرفته، سابقه نداشته و حتی از درک آن ها عاجز است. از جمله این اصطلاحات، واژه دینی استکبار ستیزی است، که برای درک بهتر این مفهوم و تأثیرات آن بر محیط سیاسی معاصر ابتدا باید به این مفهوم و مفهوم حکومت دینی در فرهنگ دینی نگاه داشته باشیم تا شاهکار معجزه گونه امام راحل (ره) بیش از پیش آشکار شود. حکومت دینی را می توان قدرتی سازمان یافته در جامعه دانست که در راستای تحقق آرمان های حقیقی، عقلانی و فطری جامعه بشری بر اساس حاکمیت الهی تشکیل شده

ایدئولوژی یعنی مکتبی که بایدها و نبایدها را مشخص و انسان را همراه با ارائه راهکار، به هدفی دعوت می کند. ایدئولوژی می گوید بایستی چگونه بود، چگونه زیست، چگونه شد و چگونه ساخت و همه این ها "چرا" دارد. این چراها را جهان بینی پاسخ می دهد. وقتی می گوییم چنین باش، در مقابل چرایی اش می گوییم چون هستی، انسان و جامعه چنین حقیقت و ماهیتی دارد. استکبار ستیزی نیز از این قاعده مستثنا نیست. حقیقت جامعه بشری این است که اگر بشریت به دنبال رسیدن به آرمان های فطری خود یعنی کمال، جامعه سالم، عدالت فراگیر، رفاه عمومی، صلح بین المللی، امنیت، آزادی، آرامش و سعادت است، باید بداند که در این مسیر بنا به تعبیر قرآن با دشمنانی روبه روست که می توانند او را از رسیدن به این آرمان های فطری و طبیعی بازدارند. این دشمنان عبارتند از شیطان، "ان الشیطان کان للانسان عدواً مبیناً؛ کفار" ان الکافرین کانوا لکم عدواً مبیناً؛ منافقین "ان المنافقین فی الدرک الاسفل من النار لم تجد لهم نصیراً" و مشرکین و یهود (صهیونیسم) "لتجدن اشد الناس عداوةً للذین آمنوا الیهود و الذین اشركوا". علت دشمنی شان در رسیدن بشر به حیات طیبه و فراهم شدن بستر رشد و رسیدن به کمال، ویژگی استکباری و طاغوتی شان است. استکبر هو و جنوده بغیر الحق". بنابراین تا استکبار و طاغوت هست امکان عقلی وجود ندارد که بشر بتواند به آرمان های خود دست یابد و یا حتی زندگی دنیوی خود را در آرامش و امنیت دنبال کند. "و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یخرونهم من النور الی الظلمات اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون". به همین دلیل، دشمنی مستکبران و طاغوتیان با انسانیت انسان و آرمان های اوست. قرآن مجید با





انقلاب اسلامی با توجه به این اصل با نپذیرفتن هنجارهای بین‌المللی ساخته شده توسط نظام‌های استکباری وضع رژیم‌های جدید بین‌المللی تاکید کرده و با هدف ایجاد هنجارهای جدید در ساختار بین‌الملل، به دنبال این رژیم‌های عادلانه جهانی است؛ از این رو ادبیات استکبارستیزی را وارد صحنه بین‌المللی کرده است.

انگیرد، هرگز از استکبار مصونیت ندارد. به این ترتیب، استکبار که با استدلال خودپسندانه و سرکشی شیطان آغاز شد و از اطاعت فرمان الهی سرپیچی کرد و کبر ورزید، با خط و نشان کشیدن برای حضرت آدم(ع) و فرزندان او روبه‌رو شد. شیطان سوگند خورد که بشر را گمراه می‌کند، از همان آغاز استکبار شکل گرفت و به همراه قدرت گسترش یافت. با رانده شدن شیطان از درگاه رحمت الهی و به دنبال آن اغوی آدم(ع) توسط شیطان و هبوط آدم(ع) به زمین و آغاز ابتلائات الهی در زمین، استکبار هم از ویژگی‌ها و مصادیق برخی مفاهیم و رفتارها قرار گرفت که می‌توان از دیدگاه قرآن به چند مورد ذیل اشاره کرد:

۱. استکبار از ویژگی‌های کفر است و از این رو به نظام کفر جهانی "استکبار" گفته می‌شود. در برخی منابع اسلامی، از اعتقاد به برتری نژادی و ذاتی، انکار واقعیت‌های جهان و جذبه‌های حکومت و قدرت مادی که نمادهای کفر هستند به عنوان عوامل شکل‌گیری نظام استکباری یاد شده است.

۲. از دیدگاه قرآنی استضعاف و استکبار دو واژه همراه یکدیگر هستند؛ چراکه استکبار، وجود نوعی سلطه‌گری و سلطه‌جویی و استعمار و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیتی محدود و زورگو و منفعت‌طلب و گمراه‌کننده بر خیل عظیم توده‌های محروم و مستضعف فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

نکته قابل دقت این‌که در دوران کنونی، یعنی دوران مدرن تاریخ غرب، انسان غربی با استکبار در برابر خداوند تعریف شده و عینیت یافته است، جوهر مدرنیته اومانیسیم است و اومانیسیم چون به معنای اثبات خودبنیادی بشر در مقابل اراده الهی است، مترادف با استکبار است. به‌واقع در غرب مدرن، استکبار صورت یک سیستم و نظام را یافته است که به دنبال حاکمیت فرهنگی و سیطره سیاسی و اقتصادی خود بر جهان است.

۳. براساس فرهنگ دینی و قرآنی، نظام‌های سلطه‌گر دارای خصوصیات ذاتی هستند که در پرتو آن برای بشریت رسیدن به آرمان‌های بشری و زندگی سعادت‌مند چه در دنیا و چه در آخرت امکان‌پذیر نیست، بلکه به عبارت دقیق‌تر محال عقلی است. برخی از این خصوصیات ذاتی عبارتند از:

الف) ایدئولوژی غیرالاهی

نظام‌های استکباری نمی‌توانند دارای بینش الهی باشند؛ چرا که ذات استکبار را قیام در برابر حق مطلق و سرپیچی از فرمان او تشکیل می‌دهد. فراهایی از مناجات امیرمؤمنان(ع) به خوبی این نکته را نمایان کرده است، آن‌جا که می‌فرماید: مولای یا مولای انت مولای انا العبد ... مولای یا مولای انت العالم و انا الجاهل ... و... فراهایی که به فقر ذاتی بشر در برابر خداوند متعال و نیاز بشر به هدایت الهی اشاره دارند، این نوع شناخت و جهان‌بینی و ایمان آوردن به آن و یقین حاصل کردن به آن‌ها دیگر جایی برای روحیه استکباری باقی نمی‌گذارد، به همین دلیل ذات استکبار بر پایه مخالفت و تقابل با جهان‌بینی و ایدئولوژی الهی استوار است و ذاتاً نمی‌تواند پذیرنده بینش و نگرش و انگیزه‌های الهی باشد.

ب) منفعت‌طلبی

اصولاً مبنای تمام ستم‌های انسان، چیزی جز منفعت‌طلبی نیست و این موضوع، در قدرت‌های استکباری در حد بالایی وجود دارد. آنان به تنها چیزی که اهمیت می‌دهند، منافع مادی خودشان است و از این رو برای رسیدن به این منافع حقوق دیگران را پایمال می‌کنند و موازین عقلانی و اخلاقی را زیر پا می‌گذارند. این ویژگی، ویژگی‌های دیگری را در استکبار ایجاد و یا تقویت می‌کند که از آن میان می‌توان به ویژگی‌هایی چون سلطه‌گری، در استتکاف

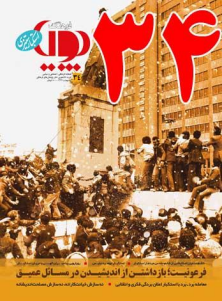
است. براین اساس، قانون اساسی(جمهوری اسلامی ایران) که مبتنی بر حکومت دینی شکل گرفته، سعادت انسان در تمام جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق مردم جهان می‌شناسد و به همین دلیل از هر حرکتی در راستای این حق که در هر نقطه‌ای از جهان شکل گرفته باشد یا بخواهد شکل بگیرد، حمایت می‌کند؛ زیرا براساس آیات قرآن کریم، هنگامی که مؤمنین در بخشی از زمین به مکتب برسند و با اراده شکل گرفته بخواهند حکومت الهی تشکیل دهند، متناظر با این قدرت و دست‌یافتن به حکومت دینی، تکالیفی برایشان به وجود می‌آید؛ چرا که همواره میان "قدرت" و "تکلیف" همبستگی مستقیمی وجود دارد؛ به هر میزان که قدرت افزایش یابد، متناسب با آن تکالیف افزایش می‌یابد و از این رو مسلمانانی که در قدرت هستند تکالیف بیش‌تری دارند. این بدان معناست که حکومت اگر بخواهد دینی باشد، از یک سو باید با منکرات مقابله کند و از سوی دیگر اقامه معروف کند، چنان‌که در سوره حج آیه ۴۱ می‌فرماید: "الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِلَهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ". با توجه به این موضوع است که در طی چند دهه اخیر، انقلاب اسلامی توسط رهبر الهی‌اش اصطلاحات جدیدی مانند "عمل سیاسی معطوف به تکلیف" و... را وارد ادبیات سیاسی دنیا کرده و نگاهی نو و بابتی ارزشگر را بر خاسته از متون دینی را در عالم سیاست گشوده است که می‌تواند بشریت را از بن‌بست‌های کنونی به‌ویژه در حوزه نظریه‌پردازی سیاسی نجات دهد؛ از این رو است که برای درک بهتر مفهوم استکبارستیزی و تأثیرات آن بر محیط سیاسی معاصر ابتدا باید به مفهوم حکومت دینی و مفهوم استکبار در فرهنگ دینی نظر اندازیم.

مفهوم استکبار

واژه استکبار و مشتقات آن بارها در قرآن کریم به کار رفته که خود، نشانگر اهمیت آن و مفاهیم گسترده و عمیقی است که این واژه با خود همراه دارد. در تعریف لغوی، استکبار به معنای بزرگ‌دین کسی یا چیزی، بزرگی نمودن، از خود بزرگ‌منشی و تکبر کردن است، استکبار حالت عملی تکبر همراه با سرکشی و طغیان است. استکبار بیش‌تر به جنبه عملی تکبر توجه دارد، یعنی کسی که تکبر می‌ورزد و خود را بالاتر از دیگران می‌داند و در رفتارش با دیگران هم کار را چنان سازمان‌دهی می‌کند که این تکبر در عمل شخصی او آشکار می‌شود و دیگران را تحقیر می‌کند و در کارشان به‌عنوان تصمیم‌گیرنده ظاهر می‌شود بدون این که شأنیت و مشروعیت آن را داشته باشد. به عبارت دقیق‌تر؛ در فرهنگ قرآنی، استکبار بر نظام و سیستم اجتماعی اطلاق می‌شود که دارای خودبزرگ‌بینی کاذب و برتری‌جویی است و استیلا و سلطه ظالمانه بر جامعه را دنبال می‌کند(استکبار ساختاری، سیستمی)

سابقه تاریخی استکبار

از آیات قرآن چنین برداشت می‌شود که استکبار در حیات بشری سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و از آغاز زندگی اجتماعی انسان‌ها در جامعه این مفهوم ظهور داشته است. از هنگامی که بشر بوده، استکبار هم وجود داشته و به همراه شکل‌گیری قدرت، استکبار نیز گسترش یافته است، پیش‌تر گفته شد که میان قدرت و تکلیف، همبستگی مستقیمی وجود دارد، و در این‌جا می‌گوییم میان قدرت و استکبار نیز رابطه‌ای تاریخی وجود دارد، و به همراه قدرت گسترش پیدا کرده است؛ یعنی قدرت اگر در موضع اصلی خود قرار



ماهیت استکبارستیزی انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر محیط

سیاسی معاصر

از دیدگاه انقلاب اسلامی و رهبران آن، سردمداران نظام‌های استکباری و کفر هیچگاه ظهور انقلاب اسلامی را تحمل نمی‌کنند و با تمام وسائل و امکانات خود به مقابله با آن برمی‌خیزند و تا نابودی و با عدول از ماهیت اصلی دست از شیطنت برنخواهند داشت.

از سوی دیگر، انقلاب اسلامی براساس اصل دعوت به دلیل رسالت جهانی دین اسلام، در قالب سعادت همه انسان‌ها و ضرورت تبلیغ آن براساس چشم‌انداز نهایی پیروزی حق بر باطل، دعوت به دین را نوعی تکلیف دینی و سیاسی می‌شمرد که از آن به عنوان صدور انقلاب تعبیر می‌شود.

انقلاب اسلامی با توجه به این اصل با نپذیرفتن هنجارهای بین‌المللی ساخته‌شده توسط نظام‌های استکباری، بر وضع رژیم‌های جدید بین‌المللی تأکید کرده و با هدف ایجاد هنجارهای جدید در ساختار بین‌الملل، به دنبال ایجاد رژیم‌های عادلانه جهانی است؛ از این رو ادبیات استکبارستیزی را وارد صحنه بین‌المللی کرده است. همچنین هویت استکبارستیزی انقلاب اسلامی که متأثر از قاعده "نفی سیبیل" شکل گرفته، هژمونی قدرت را که در منطقه غرب آسیا شکل گرفته طرد می‌کند و بر ضرورت رهایی از هرگونه سلطه و وابستگی تأکید می‌کند؛ از این رو این ادبیات بر حرکت‌های انقلابی منطقه بسیار تأثیر گذاشته است و می‌گذارد.

این بدان معنا است که استکبارستیزی در منطق انقلاب اسلامی، تنها با روابط مسلمین و ملت‌های مسلمان با دیگر بازیگران و جریان‌های بین‌المللی مرتبط نیست، بلکه ناظر به نوع تعامل و روابط میان همه ملت‌ها با قدرت‌های استکباری سلطه‌طلب است؛ نگاهی که تأثیرات بسزایی بر محیط سیاسی معاصر چه در عرصه بین‌الملل و در عرصه منطقه‌ای گذاشته است.

نتیجه این که اصل وقوع انقلاب اسلامی با هویت استکبارستیزی و وارد کردن واژگان جدیدی همچون استکبارستیزی و دفاع و حمایت از مستضعفین در ادبیات سیاسی جدید به حکم عقل و منطق و شرع، تمام ملت‌ها و مستضعفان جهان را به مقابله با طاغوت و نظام‌های استکباری و کفر به عنوان تنها راه نجات‌بخش بشریت از بی‌عدالتی‌ها و فسادها، و... فرا می‌خواند. "کونوا لظالم خصما و للمظلوم عوناً" و بدین سان بذر مبارزه با ستم و قدرت‌های استکباری را در عمق جان ملت‌ها و توده‌های مستضعف زبرستم کاشته و زمینه خیزش و جنبش‌های رهایی‌بخش و ضد استعماری را بیش از پیش فراهم ساخته، و محیط سیاسی معاصر را تحت تأثیر خود قرار داده است.

کلام را با این جمله بسیار پرمغز و استکبارستیزانه حضرت امام (ره) به پایان می‌بریم که "کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم ولی هیبهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند!" "اگر بندبند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتش‌مان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم" (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۸)

قرار دادن و... اشاره کرد.

ج) جهان خواری و دستیابی به سلطه جهانی

دستیابی به امکانات سراسر جهان، نگاه استکبار را سیر نخواهد کرد؛ از این رو کسب سلطه جهانی و تصاحب ذخایر ملت‌های دیگر و به چنگ آوردن شریان‌های حیات اقتصادی جهان، از ویژگی‌های مستکبران است.

د) عقب‌نگه داشتن مستضعفان از رشد واقعی

لازمه سلطه و برتری منفعت‌طلبانه استکبار، به استضعاف کشیدن ملت‌های دیگر در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است؛ از این رو استکبار برای جلوگیری از پیشرفت آن‌ها از هیچ اقدامی اعم از کارشکنی در برنامه‌های آنان، تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی و حتی ایجاد جنگ و خونریزی فروگذار نیست.

ه) نابودی حرث و نسل

خصوصیات استکباری گفته‌شده، ویژگی دیگری را در مستکبران به وجود می‌آورد که نتیجه حاکمیت طاغوتی استکبار بر جهان است و قرآن کریم آن را نابودکننده حرث و نسل یعنی نابودکننده آبادانی‌ها و بشریت می‌داند. بی‌گمان مستکبران در مسیر حرکت خود، عدالت و صلح بین‌الملل و رفاه عمومی و امنیت و آرامش را در پای این روحیه به مسلخ می‌برند؛ چراکه این دو روحیه در تقابل و تضاد با یکدیگر قرار دارند.

و) اضطراب و ترس درونی

استکبار با تجاوز به حقوق دیگران رشد می‌کند؛ از این رو همواره از بیداری ملت‌ها و قیام در مقابل خود در خوف و ترس به سر می‌برد.

ز) ایجاد اختلاف در جامعه بشری

مستکبران برای دستیابی به اهداف شوم خود، از زمینه‌ها و راهکارهایی چون گروه‌گرایی و قومیت‌گرایی و اختلاف‌افکنی بین مردم و نیز بین مردم و دولت‌های کشورهای مستضعف استفاده می‌کنند که باعث ایجاد بغض و کینه در جوامع نسبت به یکدیگر می‌شود.

ج) تهاجم فرهنگی و سلطه فرهنگی و سیاسی

از آن‌جا که نظام استکباری برای ایجاد سلطه به ترویج فساد و فحشا در میان مستضعفان نیاز دارد و خود نیز مفسد و اهل فحشا است، ملت‌ها را به سمت فرهنگ منحط خود فرامی‌خواند و با استفاده از ابزارهای مادی و رسانه‌ای تلاش می‌کند که ملت‌ها هم فرهنگ او و هم سلطه و قدرت‌ش را بپذیرند؛ از این رو مردم جهان را مورد تهاجم فرهنگی و سیاسی خود قرار می‌دهد، و در هر کجا که بتواند، به فساد اقدام می‌کند. خداوند در قرآن مستکبران را اهل فساد فی‌الارض می‌خواند.

ویژگی‌های دیگری را می‌توان برای استکبار برشمرد که خارج از مجال این نوشتار است. با توجه به ماهیت حکومت دینی و الهی و نیز ماهیت استکبار بایستی گفت که بین ادیان الهی و استکبار اختلاف ماهوی بسیار عمیق و شدید وجود دارد به گونه‌ای که حیات هر یک در سایه نابودی دیگری امکان‌پذیر است. یکی ماهیتی نجات‌بخش برای بشریت دارد و دیگری ماهیت اسارت‌آور و نابودکنندگی.